

مذاکرات هسته ای: جدال در تهران و اشتباه محاسبه در واشنگتن

هوشنگ امیراحمدی و شهیر شهیدنالت

با نزدیک شدن مذاکرات بغداد در 23 ماه مه بین ایران و گروه 5+1 بر سر مسئله هسته ای ایران و با توجه به حساسیت فوق العاده مذاکرات مزبور، برخورد دو جناح قدرتمند در ایران افزایش یافته و علتی گردیده است. این اتفاق، به انضمام ارزیابی غلط دولت آمریکا از آنچه که در ذهن رهبران ایران در باره غنی سازی اورانیوم می گذرد، می تواند مذاکرات بغداد را به شکست بکشاند.

ماجرای اختلاف بین رهبران ایران از [مقاله ای](#) در صفحه اول روزنامه ایران، روزنامه دولت ایران و یا در واقع منعکس کننده نظرات جناح احمدی نژاد، با عنوان "عملیات فریب" آغاز شد. در این مقاله که روز 13 اردیبهشت منتشر گردید روزنامه ایران با جمله "به بعضی از مسئولان دستگاه سیاست خارجی" و "برخی از نمایندگان مجلس" روش برخورد با مسئله هسته ای و کشور های 5+1 را مود انتقاد شدید قرار داد. تمرکز مقاله بر این امر بود که در خواست های پی در پی مقامات ایران برای لغو تحریم ها موضع ایران را به شدت تضعیف کرده است. به عبارت دیگر مقاله ادعا می کند که کسانی که مذاکرات را هدایت می کنند نقطه ضعف ایران را برملا و دست خود را پیش از مذاکرات بغداد رو کرده اند.

مقاله مزبور می گوید: "بعضی مسئولان دستگاه سیاست خارجی و برخی نمایندگان مجلس و رسانه های داخلی در حالی که جمهوری اسلامی همواره اعلام کرده بود تحریم های غرب اثری بر زندگی مردم در ایران ندارد در یک اقدام غیرقابل توجیه دائماً از انتظار ایران مبنی بر لغو تحریم ها سخن گفتند". در همین مقاله از علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه و علاء الدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به عنوان کسانی یاد شده که اصرار دارند که غرب برای جلب اطمینان ایران باید هر چه زودتر تحریم ها را لغو کند.

این استدلال روزنامه ایران که اصرار بیش از حد بر لغو تحریم ها یک خطای تاکتیکی عمده محسوب می شود و موقعیت حکومت ایران را در مذاکرات بغداد تضعیف خواهد کرد، غیر معقول نیست. این نقطه ضعف حکومت ایران نمود بیشتری پیدا می کند وقتی که می بینیم [غلامعلی حداد عادل](#) مشاور رهبر ایران و [علی باقری](#) معاون سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی نیز بر این امر پای فشرده اند. مهمتر از همه اینکه [برخی گزارش ها](#)، که تا کنون از سوی ایران تکذیب نشده است، حکایت از آن دارد که دیپلمات های غربی می گویند که سعید جلیلی در دیدار خصوصی با کاترین اشتون "با سماجت فراوان و شاید نزدیک به صد بار خواستار لغو یا به تعویق انداختن این تحریم ها شده است".

مقاله روزنامه ایران بلافاصله با عکس العمل شدید جناح مخالف احمدی نژاد روبرو شد. سایت بر خواننده بازتاب [یوشیت](#): "در آستانه مذاکرات استانبول نیز سفر غیرمنتظره محمود احمدی نژاد به جزیره ابوموسی، بر تنش با کشورهای عربی دامن زد، در حالی که وی در طول سالهای گذشته با سفرهای چندباره و

یکجانبه به کشورهای حاشیه خلیج فارس و از جمله کشور امارات، امتیازات دیپلماتیک زیادی را به آنها واگذار کرده بود".

بازتاب می افزاید: "اگرچه بسیاری از کارشناسان این اقدامات دولت را تلاشهایی برای ناکام کردن مذاکرات حساس هسته ای با 5+1 به دلیل هدایت این مذاکرات از سوی رهبر انقلاب و عدم نقش جدی دولت در این مذاکرات ارزیابی کردند، اما دولت های غربی و عربی نیز که به اراده نظام برای حل کردن مسائل تنش زا آگاه بودند، تحرکات دولت را چندان جدی نگرفتند و مذاکرات استانبول عملا با موفقیت و در جهت آماده سازی زمینه برای مذاکرات بغداد پایان یافت".

این موضعگیری واضح و عجیب بازتاب که صراحتا دولت را متهم به کار شکنی و به بن بست کشاندن مذاکرات می کند با افشای مطلب قابل توجه دیگری نیز همراه بود. بازتاب می نویسد: "این نگرانی وجود دارد که تجربه توافق بروکسل که در 11 ماده میان علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت و خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا صورت گرفته بود و براساس آن از تحریم ایران جلوگیری می شد، تکرار شود".

طبق گزارش بازتاب "پیش نویس توافقنامه مذکور که با هماهنگی رهبر انقلاب امضا شده بود، با مخالفت شدید محمود احمدی نژاد مواجه شد و رئیس دولت نهم با سخنرانی غیرمنتظره ای در نمازجمعه روز قدس، از مذاکرات بدون اطلاع خود خبر داد و سپس علی لاریجانی از دبیری شورای عالی امنیت ملی استعفا داده شد". این اولین بار است که در باره این توافق نامه در مطبوعات ایران نوشته میشود.

رقابت محمود احمدی نژاد با رهبر ایران درست یکسال پیش در جریان کنار گذاشته شدن وزیر اطلاعات توسط احمدی نژاد (استعفای ظاهری مصلحی) و دخالت آیت الله خامنه ای و ابقای دوباره مصلحی به اوج خود رسید. پس از آن احمدی نژاد به علامت اعتراض 11 روز خانه نشین شد و پس از بازگشت به سر کار دیگر روابط وی با رهبر ایران به حالت گذشته در نیامد.

اینک در بحبوحه مذاکرات سرنوشت ساز ایران با گروه 5+1 رهبر ایران در شرایط دشواری قرار گرفته است. تجربه هفت سال گذشته نشان داده که احمدی نژاد مهار شدنی نیست. تمام تلاش ها برای کنترل ریان و اعمال احمدی نژاد، رئیس جمهوری که روزی آیت الله خامنه ای با حمایت از او اعتبار خودش را سرمایه گذاری کرد، تا کنون موفقیت آمیز نبوده است. به این ترتیب اگر مذاکرات هسته ای به نوعی بخواهد به نتیجه برسد احتمال اینکه احمدی نژاد و تیم حامی او سناریو های غیر منتظره ای (از قبیل ماجرای ابوموسی) خلق کنند وجود دارد.

گزینه دیگر رهبر جمهوری اسلامی ایران این است که بار دیگر احمدی نژاد را در مذاکرات هسته ای به بازی بگیرد. این گزینه هم اولاً با وجود روابط سرد بین آن دو و ثانیاً بدلیل یا فشاری احمدی نژاد بر نقطه نظرات خود، واقعیتی که بارها تجربه شده، بعید به نظر می رسد.

در چنین شرایطی آیت الله خامنه ای تنها می تواند بقول سایت بازتاب به احمدی نژاد "تذکر جدی" بدهد و پس از آن امیدوار باشد که اقدام منفی ای از سوی رئیس جمهور و هیئت حامی وی صورت نمی گیرد که مذاکرات را به شکست بکشاند.

گذشته از خطر اختلافات داخلی ایران، مذاکرات بغداد به شدت می تواند از ارزیابی غلط دولت آمریکا از آنچه که در ذهن رهبران ایران می گذرد تاثیر بپذیرد، علانمی که از سوی آمریکا دریافت می شود به دو موضع متضاد اشاره دارد.

مقاله 27 آوریل لس آنجلس تایمز از قول منابعی در دولت آمریکا که نخواستند نامشان فاش شود حکایت از آن دارد که در میان مقامات آمریکایی این اجماع (consensus) بوجود آمده که توقف کامل غنی سازی ایران غیر محتمل است و امکان دارد که آمریکا در صورت اعمال بازرسی های سنگین، به غنی سازی اورانیوم تا حد پنج درصد توسط ایران تن در دهد.

این موضع گیری هر چند باز هم ممکن است در جزئیات (از جمله دسترسی بدون قید و شرط بازرسان به صنایع نظامی و یا مصاحبه با دانشمندان هسته ای ایران) به مشکل برخورد کند اما قطعا واقع گرایانه است و می تواند پایه محکمی را برای تداوم مذاکرات فراهم آورد. در چنین صورتی جهان فعلا از کابوس یک جنگ ویرانگر رهائی خواهد یافت.

اما خطر در نشانه هائی است که به مسیری کاملا مخالف اشاره می کند. از جمله سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، خانم ویکتوریا نولاند، روز 30 آوریل با رد گزارش لس آنجلس تایمز اعلام کرد که موضع آمریکا تغییری نکرده و آمریکا هم چنان می خواهد که ایران به قطع نامه های سازمان ملل عمل کرده و غنی سازی اورانیوم را متوقف کند.

دو احتمال برای این گفته خانم نولند می توان در نظر گرفت. این اظهار نظر یا می تواند جنبه تاکتیکی داشته باشد تا آمریکا را بیش از مذاکرات بغداد ضعیف جلوه ندهد و احتمال دیگر این است که ممکن است بر اثر یا فشاری مقامات ایرانی برای لغو تحریم ها آمریکا دچار اعتماد به نفس بیش از حد شده باشد و تصور کند وقت امتیاز گیری فرا رسیده است. اگر حالت دوم صحت داشته باشد، آمریکا دچار اشتباه محاسبه شده و مذاکرات قطعا به شکست خواهد انجامید.

توجه داشته باشیم که سعید جلیلی برای نخستین بار نه تنها در قالب نماینده حکومت بلکه به عنوان نماینده رهبری ایران در مذاکرات شرکت می کند. از این رو هیچ راه حلی که متضمن تحقیر و زیر پا گذاشتن غرور ملی باشد، به هر بهائی، از سوی آن کشور پذیرفته نخواهد شد. آیت الله خامنه ای مسئله هسته ای و پیشرفت ایران در این زمینه را بطور غیر قابل بازگشتی به "ایجاد احساس عزت نفس و عزت ملی در کشور و ارائه الگویی به ملت های منطقه و جهان از توانایی یک ملت برای ایستادگی در مقابل فشارها، استقلال و توانایی شکستن انحصار علمی قدرت های استکباری" پیوند زده است. درک این

مطلب برای تحلیل گران غربی بسیار ثقیل است که آقای خامنه ای حتی اگر بخواهد دیگر در جایگاهی نیست که توقف کامل غنی سازی را بپذیرد.

در صورت شکست مذاکرات، آقای خامنه ای به دو دلیل چاره ای ندارد جز آنکه یک موضع رادیکال اتخاذ کند. اول اینکه وی برای نخستین بار، با معرفی جلیلی به عنوان نماینده خود، خود را رسماً درگیر مذاکرات هسته ای بطور مستقیم و با آمریکا بطور غیر مستقیم کرده است. شکست مذاکرات پیش رو به منزله ادامه تحریم های کشنده، فلج شدن کشور و نهایتاً شکست در برابر آمریکاست. آیت الله خامنه ای برای گریز از بن بست ناشی از تحریم ها و جلوگیری از تبدیل شدن به یک رهبر شکست خورده راهی جز مقابله ندارد.

دوم اینکه شکست مذاکرات و ادامه وضعیت خطرناک اقتصادی فعلی و نظاره گر شدن سقوط کشور، وزنه را به نفع جناح احمدی نژاد که به باری گرفته نشده سنگین می کند، این امر نیز می تواند لطمات جدی به جایگاه رهبری وارد کند ضمن اینکه به تشدید شکاف بین دو جناح و تضعیف کل حکومت منجر می شود.

از این رو رهبر ایران برای مقابله با نتایج خطرناک ناشی از شکست مذاکرات باید دست به اقدامی بزند، عملی ترین و فوری ترین واکنش که در ضمن تا حدی نیز می تواند وجهه قانونی داشته باشد تهدید به خروج از ان پی تی، تعیین ضرب الاجل برای لغو تحریم ها، و بالاخره خروج از ان پی تی است. در صورت وقوع چنین امری آمریکا هیچ راه حلی جز جنگ پیش پایش نخواهد بود.

پرزیدنت اوباما به درستی می گوید که پنجره فرصت ها در حال بسته شدن است. اما خود نیز باید به همین توصیه توجه کند. اعتماد به نفس زیاده حد و عدم درک واقعیت های موجود می تواند فصلی تاریک را در روابط بین الملل بگشاید. شک نیست که ایران فشار زیادی را به دلیل تحریم ها تحمل می کند و شک نیست که علاقه دارد از این وضعیت خارج شود اما نه به هر بهائی، و قطعاً نه به بهای توقف کامل غنی سازی. خطای محاسبه توسط آمریکا و مآلاً شکست مذاکرات به تشدید درگیری میان ایران و آمریکا شتاب می بخشد. در این صورت راه برای یک جنگ ویرانگر و خونین هموار می شود. جنگی که بقول لئون پانتا وزیر دفاع آمریکا همه از وقوع آن تاسف خواهند خورد.